



آرمانهای

خاکستر شده

در یخه شرکت صنایع چاپ و بسته‌بندی

«پرتو ارتباط»

گروهی از مشاوران و متخصصین

صنعت چاپ ایران

گردآورنده:

اسمعیل دمیرچی

۱۳۹۴ شمسی

شابک	:	978-964-2928-85-9
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۳۴۲۲۸۲
عنوان و نام پدیدآور	:	آرمانهای خاکستر شده: تاریخچه شرکت صنایع چاپ و بسته‌بندی «پرتو ارتباط» / گروهی از مشاورین و متخصصین صنعت چاپ ایران؛ گردآورنده اسمعیل دمیرچی.
مشخصات نشر	:	تهران: جاجرمی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۶ ص:، مصور، جدول.
عنوان دیگر	:	تاریخچه شرکت صنایع چاپ و بسته‌بندی «پرتو ارتباط».
موضوع	:	شرکت صنایع چاپ و بسته‌بندی پرتو ارتباط
موضوع	:	شرکت‌ها -- ایران
موضوع	:	Corporations -- Iran
رده ی دی سی	:	۵۰۹۵۵/۰۷۰
رده بندی کنگره	:	۱۸۶Z ۱۳۹۵ ۱۹۵۷۶الف/
سرشناسه	:	یرچی، اسمعیل، ۱۳۱۶ - گردآورنده
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا



آدرس: خیابان انقلاب - خیابان ابوریحان - خیابان وید نظری - پلاک ۳۰ - طبقه همکف
تلفن: ۶۶۹۷ ۳۸۲۱ - ۶۶۹۷ ۳۸۲۰ - ۶۶۹۷ ۴۵۰۲ - ۶۶۷۸ ۶۷۷۸ - ۶۶۴۶

آرمانهای خاکستر شده

(تاریخچه شرکت صنایع چاپ و بسته‌بندی «پرتو ارتباط»)

پرتو ارتباط

گردآورنده: اسمعیل دمیرچی

چاپ: اول - ۹۵

تیراژ: ۲۰۰ جلد

شابک: ۹-۸۵-۲۹۲۸-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-2928-85-9

فهرست مطالب

۱۱		سخنی در ورودیه کتاب
۱۵		صحبت‌های اولیه تأسیس شرکت تعمیرکاران
۲۲		تأسیس شرکت پرتو ارتباط
۲۵		دعوت عام از طرف اتحادیه
۲۸		نامه سرگاماده
۳۴		بنیان‌گذاری اولیه
۳۵		اعلان فعالیت شرکت
۴۰		تشریح اهداف «پرتو ارتباط»
۵۳		شروع دخالت‌های
۵۵		پیش‌نویس اساسنامه اتحادیه
۶۴		شروع فعالیت رسمی
۸۱		درخواست از وزارت ارشاد
۸۴		اتفاقات ناگوار
۹۰		«حادث» هیچ‌گاه خبر نمی‌کند
۹۶		قبول حرکت جمعی
۱۴۴		اختلافات رو به فزونی می‌گذارد
۱۵۶		ظهور انجمن‌های فنی چاپ
۱۶۳		فوت حاج جبار نصیرزاده
۱۶۸		نقطه نظر قطعه‌سازان
۲۰۰		اسامی قسمتی از متخصصین صنعت چاپ

زبـانِ خـامه نـدارد سـرِ بـیانِ فـراق
 و گـرنه شـرحِ دهم بـا تو داسـتانِ فـراق
 در سـخِ مـدتِ حـرم کـه بـر اـمید وصال
 بـسر رسیـد و نـیآمد بـسر در آشیـانِ فـراق
 کـون چـه چاره کـه در بـحـرِ حـرم کـردابی
 فـتاد زورقِ صـبرم ز بـادبانِ فـراق
 ز سـوزِ شـوقِ دلم شد کـبابِ دور از یـد
 مدام خـون جـگر می خـورم ز خـوانِ فـراق
 فـلک چـو دید سـرم را اسـیر چـنبرِ عشـق
 بـبـست گردنِ صـبرم بـر سـمانِ فـراق

سحنی در آستانه

مقدمه یادآوری می‌نماید که پیرو صحبت‌ها و جلسات متعددی که قبلاً در اتحادیه و دیگر محل‌های مربوطه با نمایان رسته تعمیرکاران صنعت چاپ بود که همگی خواستار تشکیلاتی و یا سازماندهی بودند، تا از این نفاقی که بین ایشان حاکم است، هر چه زودتر جلوگیری شود تا بتوان از این رسته در پیبرد زندگی این رسته زحمت‌کش سود جست. از آن جا که در هر حرکت دسته جمعی هستند اشخاصی که اعمال «منفی» خود را بخاطر خراف و منفی بودن؛ «مثبت» تر می‌نمایند، لذا در بین این گروه هم، چنین اشخاصی از ابتدا تا نزدیک‌های سرانجام دادن این سازمان با قیافه حق به جانب در تمام موارد ظاهر می‌شوند تا جهت پیشبرد اهداف مجموعه، مخرب خود، در مقطع‌های مؤثر، کارساز باشند، و چنین اشخاصی چنان ماهرانه اعمال را پیش تعیین شده خود را در اشخاصی دیگر تفهیم می‌نمایند که بموقع جهت متلاشی سرد و متفرق نمودن افراد، بکار گرفته شود، و دیگر بار کاری تا مدتی با کسی ندارند، و نظاره گر می‌شوند، و تا ایشان بیایند و بفهمند که چه شده، زمان گذشته و حاصل گذشت زمان هم هیچ وقت به نفع انسان‌های زحمتکش و مظلومی - هم چون رسته میکانیک‌ها - نبوده و نخواهد بود. در این رشته بی‌تعارف باید گفت که در تمام رده‌های بالا تا پائین فنی، و در تمام زمینه‌های آن، ناپسامانی داریم، کارگران و متخصصین و مهندسین در این رشته، جایگاه معنوی و علمی ویژه خود را بدست نیاورده‌اند، و هیچ یک از شرکت‌های وارد کننده قدر و منزلت ایشان را پاس نداشته‌اند، اگر این عزیزان در فکر خود نبودند، کسی به فکر آینده

ایشان نبود، و مدیران چاپخانه نیز بقدری گرفتاری برای خود دارند که به موضوع اجتماعی متخصص و تعمیرکاران صنعت چاپ نمی‌رسند و نمی‌خواهند هم برسند.

در مقطعی جهت درآمدن این رشته از این تنگنا، چند نفری شدیم تا از جانی این مشکل را جهت حل آن به حرکت در آوریم، ابتدا با مقامات اتحادیه چاپخانه‌داران در این مورد، جهت سازمان دادن به رشته تعمیرکاران و متخصصین صنف، مشورت‌های فراوانی کردیم، وعده و وعید فراوان داده می‌شد، خوشبینی زیاد دیده می‌شد، ولی تصمیمی جدی در مورد خواست ما دیده نمی‌شد.

از بد روزگار، صلاحیت و قضاوت در مورد «تخصص» و «تعمیرکار»، فقط در اختیار کمپانی‌های تأسیس یافته بعد از انقلاب اسلامی است و لاغیر، در صورتی که این کالبد شکافی احتیاج به بحث و بررسی توسط میزگرد هائی باید انجام پذیرد که میزبانان آن وزارت صنایع و بازرگانی، وزارت ارشاد اسلامی و اداره کل چاپ و نشر هستند که اصلاً به تنها مسئله‌ای که ایشان ذکر نمی‌کنند و توجه ندارند، همین بی سرو سامانی و جلادهندگان صنعت چاپ و متخصصین می‌باشند و باری بهر جهت گذراندن با بخشنامه‌های فصلی است که کار روز خود را می‌گذرانند.

در این تاریخ (بهار سال ۱۳۷۴) حارث یکصد و شصت نفر، در سرتاسر ایران در مورد ماشین‌آلات صنایع چاپ «آچار به دست» هستند [قسمتی از اسامی ایشان به پیوست می‌باشد] چون متخصصین دارای ثروتی نباشند، در روز جهت بدست آوردن «پنج سیر نان تافتون» با نام خدا از در خانه بیرون می‌آیند. بارها هیچ روزی، هیچ یک از آقایان برنامه‌ای از پیش تنظیم شده ندارند، و سیاست این که از مدیر چاپخانه بقدر ده روزی از خرجم را بگیرم که در ماه آینده هم شاید به او سری بیاورم، کیف ابزارش را می‌گذارد که همه بدانند ایشان در این مکان مستقر است، هر چند که خودش نیست ولی ابزارش هست! بلبشونی در رشته تعمیرکاران صنعت چاپ، همراه با مدیران و سرپرستان چاپخانه، توأم می‌گذرد که شب در پی روز و روز در پی شب بگذرد و می‌گذرد...

هیچ مرجعی نیست که به این قشر مظلوم مفید و کارساز برسد، و از عجایب این که از دست ایشان ناراضی هم هستند، شاید چون نمی‌خواهند بدادشان برسند، خود را ناراضی نشان می‌دهند، دلیل این حرفم اینست که هیچ یک از ماشین‌آلات

مختلف نمایندگی، خوابیده و همه ماشین آلات صنعت چاپ در سرتاسر ایران به همت متخصصین؛ عین قیمت ارز به روز، آماده کار هستند. مسلم است که نه تنها بدادشان نمی‌رسند، ایشان را در مقطع تعمیرات، بیمه هم نمی‌نمایند، در سابقه این عزیزان منعکس است که بغوریت سر «ماشین مریض» برای مداوا می‌رسند، ولی در محلی ثبت نمی‌شود... و از عجایب روزگار این که کمتر «چاپخانه داری» را سراغ دارم که از متخصص چاپ و تعمیرکار خود راضی باشد، این قوم اصلاً همیشه ناراضی هستند، برای این که برای ایشان مبدا قدمی بردارند که بر نداشته‌اند! ولی خود می‌دانند که با یک تلفن در سر عزیزترین «سرمایه» شما در همیشه ایام حاضر بوده‌اند و از این بعد هم حاضر خواهند بود.

- * تعمیرکار مانند «چاپخانه دار» منبع درآمد ندارد.
- * چاپخانه از منبع درآمدش ابزار و ماشین آلات چاپ و محل آن است.
- * تعمیرکار نه از «ارز تعمیر» (سرمایه تجربی فنی) را دارا می‌باشد.
- * «تعمیرکاران» مانند ماشین آلات چاپ «جزو سرمایه ملی» محسوب می‌شوند.
- * برای بدست آوردن تجربه و تخصص تعمیرکار نه تنها عمر؛ بلکه ارز مصرف شده و این تجربه‌ها گران‌بهاتر از ماشین آلات است.
- * تعمیرکاران و ماشین آلات صنایع چاپ و «ثروت ملی» محسوب می‌شوند که حتماً و باید مورد حمایت مراکز قانون‌گذاری قرار گیرند.
- * تجربه «تعمیرکاران صنایع چاپ بویژه در ایران» افتخار این صنعت محسوب می‌شوند.

* بارها دیده شده؛ تکنیکی که جدید بوده، همراه با متخصصین آن باید برای راه‌اندازی وارد می‌شدند، ولی تا آمدن متخصص از کارخانه مربوطه، توسط متخصصین ایرانی - بدون دیدن دوره‌های آن - راه‌اندازی شده‌اند!

- ۱- تعریف این که «تعمیرکار» چه شخصی است
- ۲- تعریف «تخصص‌ها» در مورد هر یک از ماشین آلات
- ۳- ثبت این موارد با استانداردهای وزارت کار و امور اجتماعی

هر یک از موارد بالا و در جمع بدست آوردن کتاب جامعی در مورد صنایع مختلف

چاپ و طبقه‌بندی کردن هر یک از آن‌ها، در دستور کار آینده شرکت قرار گرفت. تا بدست آوردن این دستورالعمل و آئین‌نامه آن، از برای سرو سامان دادن این ثروت ملی؛ لازم بود از آقایان: عبدالعلی شریفی، خاتون‌آبادی، داود شایسته خصلت، عباس پادگانه، قاسم شفیعی، مصطفی کنجکاو و امیر والی و دیگر عزیزان جهت بمقصد رسیدن این هدف، اقدامی جدی و سریع انجام پذیرد.

در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۲ به دنبال دعوت اتحادیه، به سرپرستی آقای عبدالعلی شریفی در اتحادیه جلساتی جهت تنظیم آئین‌نامه «نیم بند» تنظیم نمودیم که بعد از تصویب هیئت مدیره وقت اتحادیه، شروع به اجرای آن «آئین‌نامه رسته تعمیرکاران»، مانند دیگر رسته‌های زیر پوشش اتحادیه بنمائیم که این آئین‌نامه رفت به هیئت مدیره و دیگر بار جواب نیاورد. نیا آمد تا این که متخصصین، خود تصمیم گرفتیم که با گرد همانی و تشکیل «انجمن تعمیرکاران» را در خارج از اتحادیه تشکیل بدهیم و مستقل عمل نمائیم. صاحبان چاپخانه‌ها از این طریق اتحادیه صنف چاپخانه‌داران در همیشه ایام سیاستشان این بوده که افراد این رسته همگی آواره و انجمنی برای تصمیم‌گیریشان نداشته باشند، و همین‌طور هم تا کنون بوده است.

مدت‌ها طول کشید که توانستیم به اتحادیه چاپخانه‌داران بفهمانیم «رسته تعمیرکاران»، مانند (پاکت‌سازان)، (جعبه‌سازان) (فاینانس) نیستند، ثروت هنگفت و سرمایه ملی این صنعت در دست ایشان است و قابل مقایسه اصلاً با هیچ صنفی نیستند، و به‌طور خلاصه این که اتحادیه چاپخانه‌داران، چون تشکیل یافته از صاحبان صنایع چاپ ایران، دکتر و متخصص را فقط «موردی» برای ماشین آلات خرید می‌خواهند و این خیلی ناثواب است.

تکرار می‌کنم، این فکر غلط از ذهنیت «چاپخانه‌داران» عزیز باید خارج شود که ایشان مانند هیچ‌یک از رسته‌های مطرح در صنایع نیستند، «متخصصین صنایع چاپ» تافته‌ای جدا بافته می‌باشند که خوشبختانه «تخصص» ایشان، مستقیم در خدمت فرهنگ ایران زمین بکار گرفته شده است.